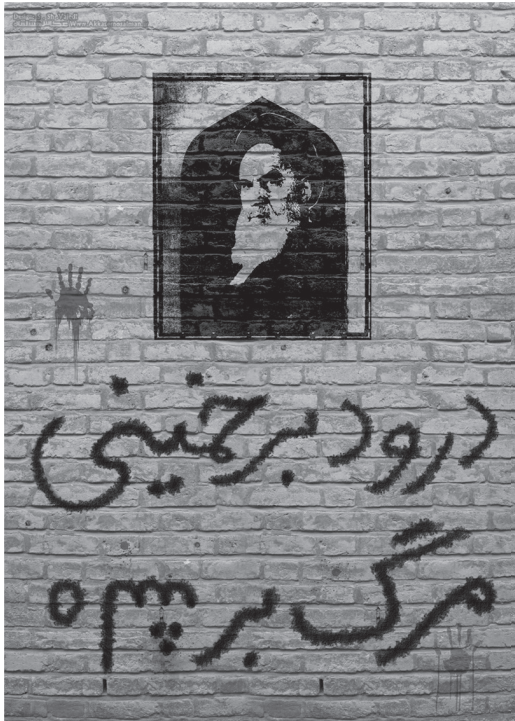


زینب جعفری

قصه فریاد روزنها



یکی از نشانه‌های مهم و اصلی هر انقلابی، شعارهای آن است که آرزوها، خواسته‌ها و باورها و اهداف آن ملت و انقلاب را نشان می‌دهد. با مطالعه شعارها می‌توان مسیر حرکت آن انقلاب و حوادث مهم و سرنوشت‌ساز آن را مورد بررسی قرار داد. شعارها انواع مختلفی دارند: شفاهی، دیوارنوشته‌ها و پارچه‌نوشته‌ها. در این نوشته سعی داریم برخی از شعارها و چگونگی شکل‌گیری آن را مورد بررسی قرار دهیم تا به نقش شعارها در همگامی و وحدت مردم و در نهایت موفقیت‌شان در رسیدن به هدف پی ببریم.

محرم ۴۲

در محرم سال ۱۳۴۲ علما و روحانیون در اعتراض به شاه، عزای عمومی در سراسر کشور اعلام کرده بودند. گاردی‌ها به مدرسه فیضیه حمله کرده و تعداد زیادی از طلبه‌ها و روحانیون؛ حتی افراد عادی را قتل عام کردند. این حادثه به شعاری از شعارهای انقلاب تبدیل شد:

(۱)
قم گشته کربلا
فیضیه قتلگاه
واویلا واویلا
شد موسم یاری
مولانا خمینی، مولانا خمینی
(۲)
فیضیه قتلگاه
کشته‌اند علما
واویلا واویلا
شد موسم یاری
مولانا خمینی، مولانا خمینی

طرح دوستی با ارتش

امام خمینی علیه السلام در یکی از اعلامیه‌هایشان ارتش را برادر خوانده و آن‌ها را فرزندان همین ملت دانسته بودند. ایشان از آن‌ها خواسته بودند که از ارتش شاهنشاهی بیرون بیایند و به صفوف ملت پیوندند:
(۱)
به دستور خمینی؛ ارتش برادر ماست.
(۲)
ای ارتش، ای ارتش
به گفته خمینی رهبر
دوری کن از ستمگر
مرگ بر شاه، مرگ بر شاه

(۳)
ارتش اسلحه را کنار کن
با ما بیا قیام کن
برای حفظ قرآن
ارتش تو کودتا کن

کشتار هفده شهریور

وقتی دولت شریف امامی به فرمان شاه خائن راهپیمایی مردم در میدان ژاله را به خاک و خون کشید؛ بعد از آن از این واقعه به عنوان جمعه خونین یاد می‌شد.
قتلگه پهلوی
ژاله تهران شده
قتلگه پهلوی
تمام ایران شده
مردم چند روز قبل از این حادثه (حادثه ۱۷ شهریور)، در لوله تفنگ سربازهای گارد، گل گذاشته بودند تا مهر و محبت نهضت اسلامی را نشان دهند. مردم بعد از این واقعه فریاد می‌زدند:
(۱)
ارتش بگو جواب گل، گلوله است؟
(۲)
شاه به این بی‌شرفی
ارتش به این بی‌غیرتی
هرگز ندیده ملتی

(۳)
به گفته خمینی ارتش برادر ماست
ما به شما گل میدیم، شما به ما گلوله
(۴)
ارتش تو بی‌گناهی
آلت دست شاهی

شعارهای عاشورایی

راهپیمایی‌های مردم در تاسوعا و عاشورای حسینی رنگ و بوی بیش‌تری می‌گرفت. آن‌ها با الهام از قیام امام حسین علیه السلام بیش‌تر از قبل و پر شورتر از همیشه در راهپیمایی‌ها شرکت می‌کردند:
(۱)
تا خون مظلومان به جوش است
آوای عاشورا به گوش است
تاسوعا قرار ما
عاشورا قیام ما
(۲)
عاشورا، عاشورا
قیام ملی ما
(۳)
عاشورای حسینی
پیروزی خمینی

تولد شاه!

چهارم آبان تولد شاه خونخوار تعطیلی سراسری بود و جشن‌های بزرگ و پر زرق و برقی در سراسر کشور بر پا می‌شد. مردم که از حادثه بیست و پنج مهر و به آتش کشیده شدن مسجد کرمان دل پر خونی داشتند، سخت عصبانی بودند، روز قبل از آن در راهپیمایی‌هایشان شعار می‌دادند:
(۱)
فردا چرا تعطیل است؟
تولد یزید است!

سیزده آبان ۵۷

در سیزده آبان ۵۷، در سال روز تبعید امام خمینی علیه السلام مراسم با شکوهی در دانشگاه تهران برگزار شد. این مراسم با دخالت ارتش به خاک و خون کشیده شد، به شعاری از شعارهای انقلاب تبدیل گشت:
(۱)
دانشجو، دانشجو
در خون خود غلتیده
این است شعار ملت
دانشجو شهادت مبارک

(۲)

کشتار دانشجویان به دست شاه جلال خواسته آنان بود برچیدن استبداد بعد از آن هرگاه که راهپیمایی کنندگان از جلوی مدارس و دبیرستان رد می‌شدند، برای تشویق آنان به شرکت در تظاهرات فریاد می‌زدند:

*

معلم به پا خیز
محصلت شهید شد

*

محصلین بدانید
شاه شما خائن است
با این که گاردی‌ها به دستور فرماندهان‌شان به روی مردم بی‌سلاح، آتش می‌گشودند، اما مردم ذره‌ای ترس از کشته شدن نداشتند. مرد و زن، پیر و جوان یک صدا فریاد می‌زدند:

(۱)

از جان خود گذشتیم
با خون خود نوشتیم

(۲)

یا مرگ یا خمینی
توپ، تانک، مسلسل

دیگر اثر ندارد

حکومت نظامی دیگر ثمر ندارد
به مادرم بگوئید دیگر پسر ندارد

حمله به حرم امام رضا (ع)

در ۱۵ آبان سال ۵۷، شاه طی پیامی که از رادیو و تلویزیون پخش شد، خطاب به ملت ایران گفت: «من پیام انقلاب شما را شنیدم و سعی می‌کنم که اشتباهات گذشته را جبران کنم». اما ملت می‌دانستند که توبه گرگ، مرگ است و اگر اندکی در قیام‌شان سستی کنند، دوباره باید ننگ ذلت و خواری را بپوشند. آن‌ها مخالفت‌شان را این‌گونه بیان کردند:

(۱)

مهدی بیا شاه مسلمان شده
آب وضوش خون جوانان شده

(۲)

مهدی بیا شاه مسلمان شده
روز و شب مسلمین شام غریبان شده

(۳)

ایران شده لبنان
نشسته‌ای مسلمان؟!

توبه شاه!

در سی آبان ۱۳۶۷ شاه بدون توجه به احساسات مذهبی مردم؛ دستور حمله نظامی به حرم امام رضا (ع) می‌دهد و در پنج آذر به همین مناسبت، عزای عمومی اعلام می‌شود:

(۱)

یا حجت‌بن‌الحسن دل‌ها پریشان شده
قبر امام هشتم گلوله باران شده

(۲)

مشهد مقدس را، گنبد حضرت را
مسجد کرمان را، رکس آبادان را
ژاله تهران را شاه به آتش کشید
به آتشش می‌کشیم

سیاسی‌بازی‌های شاه

شاه بعد از هر جنایتی مجبور به حيله و نیرنگی تازه بود. گاهی تند تند و پشت سر هم نخست وزیر عوض می‌کرد؛ گاهی حزب تأسیس می‌کرد و... مردم که از این بازی‌های سیاسی خسته شده بودند و به قول معروف دیگر حنای شاه برایشان رنگی نداشت. آن‌ها متحد و یک صدا فریاد می‌زدند:

(۱)

ما می‌گیریم شاه نمی‌خواهیم
نخست وزیر عوض میشه

(۲)

ای شاه جنایتکار ما تو را نمی‌خواهیم
ای نوکر استعمار ما تو را نمی‌خواهیم
زمانی که حزب رستاخیز تأسیس شد، شاه همه را مجبور به عضویت در آن می‌کرد و اگر کسی سرباز می‌زد توسط ساواک تحت پیگرد قرار می‌گرفت، مردم یک صدا فریاد می‌زدند:
حزب فقط حزب‌الله
رهبر فقط روح‌الله

* زمانی که بختیار روی کار آمد و با نزدیکی به مردم قصد آرام کردن آن‌ها را داشت. اما مردم تسلیم این عوام‌فریبی او نشده و او را مزدور می‌خواندند:

(۱)

این دولت بختیار
دولت ظلم و زور است

با بودن پهلوی

نخست وزیر مزدور است

مرگ بر شاه، مرگ بر شاه، مرگ بر شاه

(۲)

تو که دم می‌زنی ز دین و آیین،
پس چرا می‌کنی حمایت از حکم شاه؟
نه مرغ طوفانی، نه موج دریایی
تو گرگ خوانخواری، تو موج فحشایی

فرار شاه

در بیست و شش دی‌ماه ۵۷ شاه با خفت و خواری از کشوری که مدعی عمران و آبادی آن بود، با چشمان گریان بیرون رفت. مردم که از شرارت‌ها و ستم‌ها او آزاد شده بودند، به کوچه و خیابان‌ها ریخته به شادی و پایکوبی پرداختند. آنان فریاد می‌زدند:

(۱)

شاه فراری شده
سوار گاری شده

ای شاه آمریکایی
تو دشمن خدایی

(۲)

شاه فراری می‌شود
حکومت اسلامی می‌شود

جواب دندان‌شکن به منافقین

پیروزی انقلاب نزدیک بود، گروه‌ها و احزاب مختلف می‌خواستند از حضور گسترده و میلیونی مردم به نفع حزب و گروه خود بهره‌برداری کنند. عده‌ای از کمونیست با شعار «نان، مسکن، آزادی» می‌خواستند در میان مردم رخنه کنند. اما مردم مسلمان و هشیار با شعار «قرآن، خدا، خمینی» جواب‌شان را دادند.

کمونیست‌ها هم می‌خواستند جایی در این نهضت داشته باشند. آن‌ها با شعار «برابری، برادری» به جمع مردم پیوستند. اما از آن جایی که خدا می‌خواست این نهضت اسلامی باشد، توطئه شوم آنان را نیز بر باد داد و مردم با شعار «برابری، برادری، حکومت عدل علی» جواب دندان‌شکنی به آنان دادند.

(۱)

استقلال و آزادی
جمهوری اسلامی
این آخرین کلام است



(۳)

ای شاه خائن
آواره گردی

خاک وطن را

ویرانه کردی

کشتی جوانان وطن

آه و واویلا

کردی هزاران در کفن

آه و واویلا

(۴)

شاه باید برگردد

اعدام باید گردد

(۵)

ای شیعیان شاه فنا می‌شود

رهبر ما روح خدا می‌شود

(۲)

ما همه سرباز توئیم خمینی
گوش به فرمان توئیم خمینی

(۳)

مجاهد بت‌شکن
خمینی قهرمان

فرموده است این چنین

به ملت مسلمان

بهترین عبادت

به نزد خداوند

مرگ بر شاه، مرگ بر شاه

منابع:

۱. فصلنامه ۱۵ خرداد، ش ۶
۲. روزنامه رسالت، ۸۶/۱۱/۱۳
۳. سایت میعاد
۴. سایت دهه فجر